

Violation of the quantity principle in the conversation of the Diwan Balkh play

Aqeel AbdulHussein Mohammed

Assistant Professor of Persian language, University Baghdad

aqeel.a@uobaghdad.edu.iq

Aya Kazim Nemah

M.A, Persian language, University Baghdad

ayakadim@yahoo.com

DOI: [10.31973/aj.v3i138.1782](https://doi.org/10.31973/aj.v3i138.1782)

Abstract:

Language is the medium of communication between people and pragmatics studies the used language, meaning the study of the writer or speaker's intended meaning. The oldest definition of pragmatism is the one by Charles Morris which states: pragmatism is the study of the relationship between signs and the users of these signs.

In (1975) Paul Grice gave his lecture at Harvard University in the form of an article titled (Logic and conversation) in which he stated his theory (The cooperative principle) on the bases of connection and understanding between the parties involved in the conversation. The first principle in this theory is the principle of quantity. Violation of this principle leads to the information being more or less than required. The violation of any of these principles leads conversational implications. This violation is in the form of ambiguity, exaggeration and metaphor ... etc.

In this research, we have considered pragmatism and its relationship with semantics, meaning and the theory of the principle of cooperation and its meaning alongside correction, speech analysis and a few examples of violating the quantity principle in the play of Diwan Balkh.

Keywords: Pragmatics, Grice, The cooperative principle, Violation

بررسی نقض اصل کمیت در نمایشنامه‌ی (دیوان بلخ)

عقیل عبد الحسین محمد
دکتر دانشگاه بغداد ، بغداد
ayakadim@yahoo.com

ایه کاظم نعمه
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بغداد
aqeel.a@uobaghdad.edu.iq

(چکیده)

زبان ابزار ارتباط میان انسان‌هاست، و کاربردشناسی مطالعه‌ی کاربرد زبان است که بررسی مقصود گوینده یا نویسنده است. قدیم‌ترین تعریف درباره‌ی کاربردشناسی تعریف چارلز موریس بود که می‌گوید: کاربردشناسی مطالعه‌ی رابطه‌ی بین نشانه‌ها و افرادی است که از آن نشانه‌ها استفاده می‌کنند. ما در این تحقیق، نقض اصل کمیت را در نمایشنامه‌ی (دیوان بلخ) مورد بررسی قرار می‌دهیم. گرایس سال (۱۹۷۵) اولین بار اصل همکاری در دانشگاه هاروارد به شکل مقاله‌ای با عنوان "منطق و مکالمه" مطرح کرد. اولین اصول همکاری، اصل کمیت است و نقض این اصل یعنی اطلاعات بیشتر یا کمتر از حد نیاز را مشخص کنیم. نقض یکی از این اصول تلویح یا تضمین است که نقض نتیجه ابهام یا مبالغه یا استعاره و غیره می‌باشد. در این پژوهش، به بررسی کاربردشناسی و رابطه میان کاربردشناسی و نشانه‌شناسی و معناشناسی، و نیز اصل کمیت و درک معنای ضمنی و عبارات احتیاط آمیز، و همچنین تحلیل کلام و تقدیم برخی از نمونه‌های نقض اصل کمیت در نمایشنامه دیوان بلخ می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: کاربردشناسی، اصل همکاری، هرپرت گرایس، نقض اصل کمیت.

مفهوم کاربردشناسی (Pragmatics)

دانش نوین به نام کاربردشناسی یکی از شاخه‌های زبان شناسی است که این علم جدید در ایالات متحده آمریکا در سال (۱۸۷۰م) پیدا شد. جورج یول (۱۹۴۶م) درباره‌ی کاربردشناسی می‌نویسد: کاربردشناسی مطالعه‌ی معنی است؛ معنایی که گوینده آن را منتقل و شنونده برداشت می‌کند. بنابراین، کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور انسان از پارمگفت‌های شان سروکار دارد تا بامعنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی مقصود گوینده است. (یول، ۱۳۸۷: ۱۱)

لیچ (leech) (۱۹۸۵م) می‌نویسد: "چگونه گفتار در موقعیت‌ها معنی می‌یابد". (رجبی، ۱۳۹۷: ۳۶) لیچ اعتقاد می‌کرد که ما نمی‌توانیم بدون فهم کاربردشناسی، به درستی طبیعت زبان را دریابیم. وی نیز در تفاوت بین این شاخه از زبان‌شناسی بامعنی‌شناسی که

معنایی مطالعه‌ی معنی طبیعی جملات است، اما کاربردشناسی بررسی مقصود در گفته-هاست. (حجتی زاده، ۱۳۹۴: ۹۲)

اما لوینسون (Levinson) (۱۹۸۳ م) می‌گوید: کاربردشناسی مطالعه توانایی سخنرانان زبان برای جفت‌وجور کردن جملات با مفهوم مرتبط و مناسب با آن که به صورت قراردادی در کلمات یافت می‌شود، بنابراین کاربرد زبان توسط گویندگان تولید می‌شود و بوسیله‌ی شنوندگان تفسیر می‌شود. (شرف زاده و همکار، ۱۳۹۷: ۶۲)

رابطه میان کاربردشناسی، معناشناسی و نشانه‌شناسی (Semiotics)

کاربردشناسی و نشانه‌شناسی، هر دو مربوط به معنا در زبان می‌شوند. معناشناسی با توصیف معنای کلمه‌ها و جمله‌ها سروکار دارد و کاربردشناسی به مشخص کردن منظور گوینده مربوط می‌شود. (پول، ۱۳۹۵: ۱۳۶)

چارلز موریس (Charles Morris) (۱۹۷۹-۱۹۰۱ م) پایه‌ی نشانه‌شناسی که بعد از پیرس آمد و شاگرد او بود. موریس برای دانش "نشانه‌شناسی" سه حوزه در نظر گرفته بود؛ نخست حوزه‌ی نحو مطالعه‌ی رابطه‌ی بین نشانه‌ها با یکدیگر در نظام نشانه‌هاست. دوم معنی‌شناسی که مطالعه‌ی میان نشانه‌ها و رابطه‌اش با موضوعاتی است که این نشانه‌ها به آن رجوع دارد. سوم کاربردشناسی که مطالعه‌ی رابطه‌ی بین نشانه‌ها و افرادی است که آن نشانه‌ها را به استفاده می‌کنند. این دیدگاه موریس، مورد توجه منطق‌دانان قرار گرفت و از این راه به زبان‌شناسی طریق یافت. (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۹۲) در این تمایز سه‌گانه، کاربردشناسی یکی آنهاست که عنصر افراد را در تحلیل‌های خود وارد می‌سازد. (پول، ۱۳۸۷: ۱۲) یک مثال برای فرق میان معناشناسی و کاربردشناسی می‌آوریم: هوا گرم شده است. از نظر معناشناسی، معنی این جمله ساده معلوم است. یعنی درجه حرارت هوا بالا آمده و این تغییر درجه حرارت زیاد است. اما از نظر کاربردشناسی، مقصود از این جمله گوینده از گفته مورد نظر چیست؟ (هوا گرم شده است) می‌تواند در خواستی غیر مستقیم باشد برای باز کردن پنجره یا در، یا روشن کردن بادزن برقی. (زاد زند، ۱۳۷۸: ۱۶۷)

کاربردشناسی علم جدیدی است که در قرن بیستم آغاز شد، بر دست فیلسوفان زبانی مانند آستین و شاگردش سرل که نظریه آنها (کار گفت) بود که پس از آن دو گرایس آمد، و نظریه‌هایش (اصل همکاری، استلزام محاوره‌ای و معنای جملات طبیعی و غیر طبیعی) بود که آن را پیشرفت داد. و بعد از آنها عده‌ای از فیلسوفان زبان و منطق‌دانان آمدند. و این نظریه‌های مورد بحث و تجزیه و تحلیل عده‌ای از پژوهشان و محققان زبان بودند. (ر. ک. نخله، ۲۰۰۲: ۹) به طور کلی نظریه‌های کاربردشناسی ممکن است با متن ادبی (داستان

یا نمایشنامه) یا مکالمه روزمره باشد که منظور میان گیرنده یا (گوینده) و فرستنده یا (شنونده) را بیان کند. در عین حال بافت عام یا بافت موقعیت را استفاده کند.

هربرت پل گرایس (H. PAUL GRICE)

فیلسوف و زبان‌شناس انگلیسی است که در ۱۳ مارس سال (۱۹۱۳م) در بیرمنگام، انگلیس متولد شد، و در ۲۸ اگست سال (۱۹۸۸م) در برکلی کالیفرنیا درگذشت. وی در دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد. سخنرانی‌های بسیاری در ارتباط با مطالعات و روش گفتار و ابعاد علم تقدیم کرد که زیادی از مکالمات او پس از مرگش همه ساله چاپ و نقد و بررسی می‌شدند. آثار گرایس در زمینه کاربردشناسی پایه‌ای برای مطالعات مدرن است. گرایس به دلیل آثار او در مطالعه مقصود گوینده، معنای زبانی و اصول مکالمه‌ای به شهرت رسید. آثارش که در سال (۱۹۸۹م) منتشر شد، برای فلسفه و زبان‌شناسی اهمیت بسیاری دارد و به طور کلی با دانش روان‌شناسی شناختی مربوط می‌شود. سه اثر مهم وی هم با ماهیت ارتباط، تمایز بین گوینده و معنای زبان شناختی و سر انجام پدیده تلویح مکالمه‌ای ارتباط دارد. (مقداری و همکار ، ۱۳۹۶ : ۱۹۴-۱۹۵) معروفترین نظریه‌ی گرایس (اصل همکاری) نام دارد. و نظریه به معنای تلویح (استلزام) محاوره‌ای که از اصل همکاری استوار است. و نیز نظریه معنی طبیعی و غیر طبیعی است. وی محاوره را رفتاری هدفمند و خرمندی و آن را نوعی تعامل مبتنی بر همکاری می‌داند که منطق ویژه‌ی خود را دارد و مبتنی بر اصول جهانی است؛ یعنی در بررسی معانی محاوره‌ها در همه زبان‌ها استفاده می‌شود. (رجبی ۱۳۹۷: ۳۸)

اصل همکاری (Cooperative principle)

در این اصل چهارچوب در محاوره‌ای میان گوینده و شنونده است ، برای محاوره‌ای حقیقی و صریح و خالی از تعقید و ابهام در معناست و همچنین راهکارها در مشارکت‌ها دو طرف در محاوره رعایت می‌شود. گرایس اولین بار اصل همکاری در سال (۱۹۶۷م) که سخنرانی خود به دانشگاه هاروارد بعد در سال (۱۹۷۵م) این سخنرانی به شکل مقاله‌ای با عنوان "منطق و مکالمه" مطرح کرد. فایده از اصل همیاری یا همکاری فعالیت زبانی، نوعاً، تعاملی خردمندی ، هدفمندی و اجتماعی و استوار است. در شکل اولیه و کلاسیکی که گرایس از این اصول به دست می‌دهد ، وی چهار نوع همکاری اشاره می‌کند. (لاینز ، ۱۳۹۱ : ۳۹۸) اصل همکاری را بیان می‌کند : سهم خود را در مکالمه و در مرحله‌ای وقوع آن به نوع انتخاب بستگی دارد، در مرحله‌ای که در آن اتفاق می افتد ، باهدف پذیرفته شده از گفتگو که در آن مشغول به کار هستید، ایجاب می‌نماید. (پول ۱۳۸۷: ۵۴)

اصول چهارگانه گرایس عبارتند از :

۱. اصل کمیت (maxim of quantity) : مقدار مکالمه باید به اندازه باشد و نه کمتر . مقدار معلومات نباید بیش از حد مورد نظر باشد . یعنی گفته‌های ما باید در مکالمه در حد پرسش باشد نه کمتر و نه بیشتر و اطلاعات زیادتر ندهد .
 ۲. اصل کیفیت (maxim of quality) : گفته‌های ما در محاوره صادقانه باشد : در گفتگو باید صادق باشیم ، یا دست کم خودمان به حقیقت‌اش باور داشته باشیم . گفته‌های ما باید مستند داشته باشند . (صفوی، ۱۳۹۱: ۳۰۱) یعنی در مشارکت‌مان در محاوره به حقیقت آن اعتماد داشته باشیم ، و می‌دانیم دروغ نگوئیم و باید گفته‌هایمان سند داشته باشند .
 ۳. اصل ارتباط (maxim of relation) : باید در مکالمه گفته‌های ما مناسب با موضوع باشند . گفته‌های ما باید مرتبط با موضوع گفتگو باشند .
 ۴. اصل شیوه یا روش (maxim of manner) : در گفتگوهایمان باید واضح ، صریح ، مختصر و منظم صحبت کنیم . گفته‌های ما باید نظم و ترتیب داشته باشند . گفته‌های ما باید قابل درک باشند . گفته‌های ما نباید مبهم باشند .
- اصولی که گرایس در سال ۱۹۷۵ مطرح می‌کند ، بی نشان‌ترین شکل ایجاد ارتباط را به دست می‌دهند . (صفوی، ۱۳۹۱: ۳۰۲-۳۰۱)
- نقض یکی یا بعضی از این اصول که تلویح و تضمین در مکالمه تشکیل شده است. مثلاً گوینده و شنونده در مکالمه‌ای نقض یکی یا بعضی از اصول چهارگانه کمیت ، کیفیت ، ارتباط بطور عمد نقض می‌کنند . هدف مخاطب در این گفتگو باید فهم و درک معنایی غیر مستقیم در کلمه‌ها و جمله‌ها باشد و این نقض مانند استعاره ، شوخی ، تحقیر ، گزافه‌گویی ، ابهام و ابهام معنایی به عمد است . گوینده عمداً و متظاهراً بدون قصد فریب ، این اصول را نقض می‌کند . (رجبی ، ۱۳۹۶: ۳۹) تضمین (implication) در گفتگو فهم معنای ضمنی است ؛ یعنی معنایی که در آشکار پارامگفتارهای ما وجود ندارد بلکه می‌شود درک کرد که اطلاعاتی در مکالمه‌های روزمره از گوینده به شنونده انتقال

می‌یابد، و به صورت صریح در پارامگفتارها نمی‌آیند و اطلاعاتی ضمنی‌اند. (لاینز، ۱۳۹۱، ۳۹۰:)

گرایس تضمن به دو نوع تقسیم می‌کند: **یکی تضمن قراردادی**، ضرورتاً در درون گفتگو رخ نمی‌دهند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست و این نوع مبتنی بر اصول همکاری نیستند. معنای ضمنی افزودنی حاصل می‌شود. مانند: کلمه‌ی ربط (اما، ولی، حتی، هنوز، و...) (بول، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۵) مانند: او پولدار است و اما خسیس.

دومی تضمن محاوره‌ای: از اصول کلی‌تر نشأت می‌گیرد که بر محاوره‌ی متعارف نظارت دارند. (لاینز، ۱۳۹۱: ۳۹۱) یعنی گوینده یک چیزی می‌گوید و قصد آن چیزی دیگر است. عبارات احتیاط آمیز (Hedges)

لیکاف (۱۹۷۳) در مقاله‌ی خود را درباره‌ی عبارتهای احتیاط آمیز می‌نویسد "معنای آنها تلویحاً شامل ابهام می‌باشد و نقش آنها این است که ابهام کلام را افزایش یا کاهش دهند". (استاجی و همکار، ۱۳۹۰: ۱۸) مثال: "تا آنجا که من می‌دانم، آنها ازدواج کرده‌اند. شاید اشتباه کنم، اما فکر کنم حلقه‌ی نامزدی را در دستش دیدم.

مطمئن نیستم این حرف درست باشد، اما شنیدم مراسم بی سروصدایی در هاوایی بود. آن مرد نمی‌توانست بدون آن خانم زندگی کند، حدس می‌زنم." (بول، ۱۳۸۷: ۵۶) بافت گفتگو بالا، شایعه‌ی جدیدی درباره‌ی زوجی باشد که سخنگویان آنها را می‌شناسند.

تحلیل کلام (سخن کاوی)

تحلیل کلام فعالیت‌های متعدد و گسترده‌ای را دربر می‌گیرد؛ که دامنه‌ی آن از بررسی متمرکز و محدود نحوه‌ی کاربرد کلماتی مانند "او" یا "خوب" در گفتگوهای روزمره آغاز می‌شود. سخن کاوی در محدوده‌ی مسائل زبان‌شناختی، توجه خود را به توصیف فرایند استفاده زبان برای مقصودی خاص در بافت معلوم متمرکز می‌نماید. (بول، ۱۳۸۷: ۱۱۰)

بررسی و تحلیل گفتگوهای نمایشنامه بر اساس تئوری گرایس نقض اصل کمیت در

مکالمه‌ها

تلاش می‌کند که مکالمه‌ها را بر اساس نظریه‌ی قواعد مکالمه‌ی گرایس به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند.

روش تحلیل

باید توجه داشت که گفتگو یا مکالمه به معنای باهم سخن گفتن و بایکدیگر رد و بدل کردن مطالب مفاهیم، افکار، آداب و عقاید است. همچنین اصل همیاری گرایس دست‌کم در

گفتگوهای بین دو شخصیت از لحاظ تحقق عناصر بافت و شرایط ارتباط به صورت ردوبدل منسجم صورت می‌گیرد، به همین دلیل، گفتگوهای دو جانبه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اما از گفته‌های یک‌جانبه که بدون پاسخ باشند، چشم‌پوشی شده است

در وهله اول باید میان نکته‌های زیر جداکنیم:

تحقق و برقراری اصول گرایس. اگر تحقق اصول همکاری گرایس حاصل شود، دیگر نیاز به استلزام گفتگویی نخواهد داشت.

تخطی / نقض کردن آن اصول. اما اگر اصول گرایس تحقق پیدا نکنند به علت تخطی، دیگر نیاز به استلزام گفتگویی از راه گفتمان محاوره خواهد داشت و الا حتما رابطه کاربردشناختی میان اطراف گفتگو خللی پیدا کند. هر مکالمه، دو معنی را در بر می‌گیرد: معنی مستقیم یا معنی معناشناختی که ممکن است از راه معانی ظاهری واژگان پیوسته و بسامان بر طبق قواعد نحوی زبان دریافت شود.

معنی مستلزم گفتگویی یا معنی کاربردشناختی (منظورشناسی / تلویحی) که از راه معنی مستقیم جمله دریافت نمی‌شود بلکه به درک غیر مستقیم کلام در تعامل طرفین گفتگو اشاره دارد و بر چارچوب عمومی گفتار استوار است.

مثال برای نقض اصل کمیت :

[شب. قاضی و ابو القاسم غلجه با چراغ از در دیوان‌خانه وارد می‌شوند]

قاضی صورتت را بیوشان ابو القاسم می‌خواهی ما را بشناسند؟

ابو القاسم بیخشید قریان من هنوز در فکر این تصمیم عجیب و ناگهانی هستم؛ ما چرا باید با لباس مبدل در خیابان‌ها بگردیم؟

قاضی مواظب باش! (بیضایی، ۱۳۱۷: ۱۹۸)

تحلیل مکالمه از لحاظ اشاره‌های گفتمان : اشاره‌های گفتمان در این مکالمه یافت نمی‌شوند.

بافت مکالمه نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد:

- بافت زبانشناختی این گفتگو توضیح می‌دهد که زبان محاوره، رسمی، فصیح و خالی از بازی‌های زبانی بوده است.
- گفتگو، میان دو شخص آشنا روی داده بود.
- دو شخص آشنا (قاضی و ابو القاسم غلجه)، از لحاظ محل کار نزدیکند زیرا (ابو القاسم غلجه) دبیر دیوان بوده است.
- اما آن دو از لحاظ سطح فرهنگی، دینی و پابندی به حق در این شاخه از گفتگو دور از هم بوده‌اند.

- نیز شاید از لحاظ سن، ابو القاسم نزدیک با سنّ قاضی به نظر می‌آید او را خوب می‌شناسد.
 - اما وقت گفتگو ، شب ودقیقا نیمه‌شب که وقت کار نبود ، ومردم همه به خانه برگشتند . وآغاز شدن وقت کار میرِ شب واوباش است.
 - قاضی، دبیر خود را (ابو القاسم) خواند ودستور داد لباس مبدل را بپوشد ودر خیابان‌ها با وی بگردد بدون اینکه به او خبر دهد چه نیت وهدف داشته‌بود.
- قاضی واو القاسم، تعدادی از اصول همکاری گرایش نقض‌کرده بودند. به شرح زیر است :

مبنای کمیت . در گفتگوی قاضی واو القاسم ، قاضی در نوبت صحبت خود ، وقتی ابو القاسم را خواند و به او دستور داد لباس مبدل را بپوشد ودر خیابان‌ها با وی بگردد، به او خبر نداده چه نیت وهدف داشته‌بود، ابو القاسم اصل کمیت‌را در سؤالش نقض‌کرده- بود (بیخشید قربان - من هنوز در فکر این تصمیم عجیب وناگهانی هستم ؛ ما چرا باید با لباس مبدل در خیابانها بگردیم ؟) حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم، لازم بود با ایراد پارمگفتار حفظ احترام وحرمت مقام بگوید : (بیخشید قربان - ما چرا باید با لباس مبدل در خیابانها بگردیم ؟)

نمونه ۲ :

میرشب [به قاضی] عذرخواهی تمام قد قربان! شما را به جا نیاوردیم. می‌بخشید . البته که باید این حادثه را جبران کرد.

قاضی بگذار ببینم - ابوالقاسم ، تو هم از آنهایی؟

ابوالقاسم من قربان ؟

قاضی قسم می‌خورم که آن دزدها یاور خود شما بودند جناب میرشب. شبی چقدر درآمد دارید؟

میرشب قاضی ، آهاننت می‌کنید!

قاضی شما از قانون‌هایی صحبت کردید که قاضی وضع کرده. از جمله این‌که رفت و آمد قدغن است؛ نقض این قانون پنجاه سکه، واگر طفره بروند پنجاه روز زندان. من خبر دارم که زندانها پُر نیست؛ همه از ترس آن سیاهچال مخوف شما از هرکجا که شده پنجاه سکه را می‌گیرند وتقدیم می‌کنند وشما گزمه‌ای می‌فرستید وبا احترام تا خانه بدرقه‌اش می‌کنید ورسید هم بهش نمی‌دهید تا مدرکی نداشته باشد. آقا چیزی را فراموش نکردم؟

ابو القاسم نه قربان . (بیضایی ، ۱۳۱۷: ۲۰۱)

بافت زبان‌شناختی مکالمه نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد:

- تکرار یک لفظ یا مترادف آن در یک گفتگو است ، قانون ، پنجاه ، سکه .
 - از لحاظ مکان : رفت و آمد، زندان، سیاهچال ، در این گفتگو یافت می‌شوند.
 - از لحاظ زمان : شبی، پنجاه روز ، در این گفتگو یافت می‌شوند.
- تحلیل مکالمه از لحاظ اشاره‌های گفتمان :** اشاره‌های گفتمان در این مکالمه یافت نمی‌شوند.

از لحاظ اشاره‌های اجتماعی : در این گفتگو (جناب میرشب) ، (شما) ، (قربان) رابطه‌ی رسمی به صیغه‌های بزرگویی در این گفتگو یافت می‌شوند.

یافت مکالمه نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد :

- بافت زبانشناختی این گفتگو توضیح می‌دهد که زبان محاوره ، رسمی ، فصیح و خالی از بازی‌های زبانی بوده است .
 - گفتگو ، میان سه شخص آشنا روی داده‌بود .
 - سه شخص آشنا (قاضی، ابوالقاسم ، میرشب)، از لحاظ مکان در خیابان نزدیک دیوانخانه بوده‌است .
 - اما آن سه از لحاظ سطح فرهنگی ، دینی و پابیندی به حق در این شاخه از گفتگو دور از هم بوده‌اند .
 - نیز شاید از لحاظ سنّ ، ابوالقاسم و میرشب نزدیک با سنّ قاضی به نظر می‌آید آنها را خوب می‌شناسد .
 - اما وقت گفتگو ، شب و دقیقاً نیمه‌شب که وقت کار نبود، مردم همه به خانه برگشتند. و آغاز شدن وقت کار میرشب و او باش است .
 - وقتی میرشب آنها را شناخت که قاضی و ابوالقاسم بودند، و نیز قاضی می‌داند ابوالقاسم و میرشب با او باش همکاری می‌کنند.
- قاضی و ابوالقاسم و میرشب ، تعدادی از اصول همکاری گرایس نقض کرده بودند. به شرح زیر است :

مبنای کمیت . در گفتگوی قاضی و میرشب، وقتی قاضی می‌داند میرشب و ابوالقاسم از این دزدنده هستند. و میرشب وقتی قاضی از کارش پی می‌برد، میرشب از قاضی عذر خواهد. میرشب اصل کمیت را نقض کرده بود (عذرخواهی تمام قد قربان! شما را به جا نیاوردیم. می‌بخشید. البته که باید این حادثه را جبران کرد.) حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم لازم بود با ایراد پارگفتار حفظ احترام مقام بگوید: (عذرخواهی تمام قد قربان).

قاضی نیز اصل کمیت را نقض کرده بود (شما از قانون‌هایی صحبت کردید که قاضی وضع کرده. از جمله این که رفت و آمد قدغن است ؛ نقض این قانون پنجاه سکه ، واگر طفره بروند پنجاه روز زندان. من خیر دارم که زندانها پُر نیست ؛ همه از ترس آن سیاه‌چال مخوف شما از هر کجا که شده پنجاه سکه را می‌گیرند و تقدیم می‌کنند و شما گزمه‌ای می‌فرستید و با احترام تا خانه بدرقه‌اش می‌کنید و رسید هم بهش نمی‌دهید تا مدرکی نداشته باشد . آقا چیزی را فراموش نکردم؟ حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم لازم بود با ایراد پارگفتار حفظ احترام مقام بگوید: (شما از قانون‌هایی صحبت کردید که قاضی وضع کرده).

نمونه ۳ :

[کلانتر و ابو القاسم غلجه وارد می‌شوند . میرشب پیش می‌رود]

میرشب غیبت کبری قریان. ما چند شب پیش همین جا منتظرتان بودیم.

کلانتر برای جبران حاضرم ؛ چه شبی را از من طلب دارید؟

جافور شبی که زیتون زد به چاک.

[سکوت. خدابخش با صندوقی بر دوش از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج می‌شود]

ابوالقاسم من فکری کردم.

کلانتر **[می‌خندد]** فکر تو باید خیلی موزیانه باشد ابوالقاسم، نقشه را بگو.

ابوالقاسم ببینید، او به حمایت مردم خیلی مطمئن است؛ و ما از همین جا شروع می‌کنیم.

جافور یعنی چی؟

ابوالقاسم ما در واقع ازش دفاع می‌کنیم؛ و برعکس همین مردمند که بیرونش می‌کنند.

(بیضایی، ۱۳۱۷: ۲۱۹)

یافت زبان‌شناختی مکالمه نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد:

- از لحاظ مکان : همین جا، همین ، در این گفتگو یافت می‌شوند.
 - از لحاظ زمان : شب، چه شبی، شبی، در این گفتگو یافت می‌شوند.
- تحلیل مکالمه از لحاظ اشاره‌های اجتماعی:** در این گفتگو (زیتون) ، (ابوالقاسم) رابطه‌ی غیر رسمی به ندا نام مجرد در این گفتگو یافت می‌شوند.
- یافت مکالمه** نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد :
- یافت زبان‌شناختی این گفتگو توضیح می‌دهد که زبان محاوره، عامیانه ، و خالی از بازی‌های زبانی بوده‌است .
 - گفتگو ، میان سه شخص آشنا روی داده بود .

- سه شخص آشنا (کلانتر، جافور و ابوالقاسم)، از لحاظ مکان، نزدیکتر کار شبگردی اوباش در خیابان شهر بلخ است.
- اما آن چهار از لحاظ سطح فرهنگی، دینی و پایداری به حق در این شاخه از گفتگو نزدیک از هم بوده‌اند.
- نیز شاید از لحاظ سن، کلانتر نزدیک با سن ابوالقاسم و بزرگتر از جافور به نظر می‌آید و او را خوب می‌شناسد.
- اما وقت گفتگو، شب و دقیقاً وقت کار میرشب و اوباش آغاز شد.
- میرشب و جافور وقتی از کارشان ملال آورشان خسته شده بودند، کلانتر و ابوالقاسم می‌آیند. ابوالقاسم فکری به ذهنش خطور می‌کند که قاضی را به شرابخواری متهم کند تا جای‌گزینش شود.

در این مکالمه، تعدادی از اصول همکاری گرایس نقض کرده بودند. به شرح زیر است:

مبنای کمیت. در گفتگوی میرشب و کلانتر، وقتی کلانتر و ابوالقاسم نزد میرشب و جافور می‌آیند. آنها فکری می‌کنند که قاضی بلخ را سرنگون کند زیرا او قاضی عادل است و همه مردم بلخ به او احترام می‌ورزند. کلانتر اصل کمیت را در سؤالش نقض کرد. **(برای جبران حاضرم؛ چه شبی را از من طلب دارید؟)** حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم لازم بود با ایراد پارگفتار حفظ احترام مقام بگوید: **(برای جبران حاضرم)** و نیز ابوالقاسم در این پاسخ، اصل کمیت نقض کرده بود، **(ببینید، او به حمایت مردم خیلی مطمئن است؛ و ما از همین جا شروع می‌کنیم)**. حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم لازم بود با ایراد پارگفتار حفظ احترام مقام بگوید: **(ببینید، او به حمایت مردم خیلی مطمئن است)**

نمونه ۴:

[خدابخش گیج می‌رود روی سکو و جبهه را می‌گیرد. حیدر خارج می‌شود. قاضی اعلام می‌کند]

قاضی شاکی بعد!

احمدک منم!

قاضی تو کی هستی؟

احمدک اسم احمدک جولاه، صاحب خر سیاه.

قاضی شکایت چیست؟

احمدک از خرم؛ خر سیاهی داشتم که عمرش را به شما داده.

بافت مکالمه نکته‌های زیر را توضیح می‌دهد :

- بافت زیانشناختی این گفتگو توضیح می‌دهد که زبان محاوره، عامیانه ، بوده‌است .
- گفتگو ، میان دو شخص ناآشنا روی داده بود .
- دو شخص ناآشنا (احمدک وقاضی) از لحاظ مکان ،در دیوانخانه بوده‌است وقتی دادگاه در میدان نوبهار آغاز می‌شود.
- اما آن دو از لحاظ سطح فرهنگی،دینی وپایبندی به حق در این شاخه از گفتگو دور از هم بوده‌اند.
- نیز از لحاظ سنّ ، قاضی بزرگ با سنّ احمدک به نظر می‌آید واورا خوب نمی‌شناسد .
- اما وقت گفتگو،صبح ودقیقا وقت دادگاه در میدان نوبهار است،ومردم به قاضی شکایت‌هایشان را تقدیم می‌کردند.
- وقتی احمدک نقشه‌ی ابوالقاسم را اجرا می‌شود،احمدک به قاضی شرابخواری را تهمت می‌زند.

قاضی واحمدک،تعدادی از اصول همکاری گرایس نقض‌کرده بودند.به شرح زیر است :

مبنای کمیت : در گفتگوی قاضی واحمدک، وقتی احمدک از خرش به قاضی شکایت کرد. این امر عاقلانه نبود . و منظورش این بود که به قاضی اهانت کند.احمدک اصل کمیت‌را در جوابش نقض کرد(بود) **(اسم احمدک جولاه، صاحب خر سیاه)** حال آنکه طبق این اصل که گوینده باید اطلاعاتی بدهد که برای مکالمه کافی باشد نه زیاد و نه کم، لازم بود با ایراد پارمگفتار حفظ احترام وحرمت مقام بگوید: **(اسم احمدک جولاه).**

نتیجه گیری :

در تحلیل محاوره‌ها از فرمول‌های آماری ، تعداد موارد نقض اصل کمیت در گفتمان مردان وزنان به صورت آماری ارائه میشود.

تعداد موارد نقض		نوع اصل نقض شده
تعداد کل موارد	مونث	
نقض (۲۴)		مذکر
	۰	۸
		اصل کمیت

جدول (۱)

نتایج حاصل از این تحقیق ، شامل ۲۴ مکالمه در این نمایشنامه ، ۸ مکالمه نقض وتخطی اصل کمیت از سوی یک یا دو طرف گفتگو دیده می‌شود ، بخش اعظم بار

معنایی این نمایشنامه و تصویر ذهنی حاصل از شخصیت‌های اصلی و قسمت اعظم از ناحیت مرد به میان می‌آید، تکرار آگاهانه نقض و تخطی از اغلب مکالمه‌ها با انگیزه‌های خاص در این گفتگوها است.

منابع فارسی:

- بیضایی، بهرام (۱۳۸۱). دیوان نمایش، چاپ اول، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه، ج ۸، چاپ دوم، نشر دانشگاه تهران، تهران.
 صفوی، کورش (۱۳۹۱). آشنایی با زبان شناسی در مطالعات ادب فارسی، چاپ اول، نشر علمی، تهران.
 لاینز، جان (۱۳۹۱). در آمدی بر معنی شناسی زبان، ترجمه‌ی کورش صفوی، چاپ اول، نشر علمی، تهران.
 یول، جورج (۱۳۸۷). کاربردشناسی زبان، ترجمه‌ی محمد عمو زاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ دوم، نشر سمت، تهران.
 — (۱۳۹۵). نگاهی به زبان (یک بررسی زبان شناختی)، ترجمه‌ی نسرين حیدری، چاپ سیزدهم، نشر سمت، تهران.

منابع عربی

- نخله، محمود احمد (۲۰۰۲). آفاق جدیدة في البحث اللغوي المعاصر، دار المعرفة الجامعية، الاسكندرية.

مقاله‌ها، تحقیقات و مجله‌ها

- استاجی، اعظم و فهمیه افشین (۱۳۹۰). بررسی کاربردشناختی عبارتهای احتیاط آمیز در مقالات علمی - پژوهشی فارسی، پژوهشهای زبانی، دوره ۳، شماره ۲. (صص ۳۶-۱۷)
 حجتی زاده، راضیه (۱۳۹۴). بوطیقای کاربردشناختی شباهت‌ها و تفاوت‌های علم معانی (بلاغت) و نظریه کاربردشناسی زبانی، فصلنامه "مطالعات نظریه و انواع ادبی" سال ۱، شماره ۱. (صص ۱۱۵-۹۱)
 رجبی، زهرا (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل گفتگوهای سوره یوسف (ع) در قرآن براساس نظریه گرایس، دوفصلنامه علمی سال هفتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۴. (صص ۵۰-۳۵)
 زاد زنده، فرح (۱۳۷۸). اشارات در کاربرد شناسی، ایران شناسی سال یازدهم، شماره ۴۱. (صص ۱۷۲-۱۶۶)
 شرف زاده، محمد حسین و مجید بنی زمانی (۱۳۹۷). کاربرد راهبردهای ادب توسط دبیران ایرانی در موقعیت کنش گفتاری "پیشنهاد"، فصلنامه پازند، سال ۱۴، شماره ۵۲-۵۳. (صص ۸۱ تا ۷۵)
 مقداری، صدیقه سادات و زهرا ایزد دوست (۱۳۹۶). تحلیل نسل جدیدی از لطیفه‌های رفاقتی موسوم به "آقا ما.. شما..." در چهارچوب اصول مکالمه‌ای «گرایس»، مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۵. (صص ۲۰۸-۱۹۱)

References:

- Beizai, Bahram (2002). *Divan Namayesh*. Tehran: Enlightenment and Women's Studies.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran .
- Hojjatizadeh, Razieh (2015). Use Cognitive Similarities and Differences of Semantics and Theory of Linguistic Applied. *Journal of Studies of Literary Theory and Types*. Number 1, pp. 115-91.
- Lyons, John (2012) *Language and linguistic an Introduction*, translated by Korosh Safavi. Tehran: scientific publication.
- Moghaddari, Sedigheh and Zahra doost (2017). Analysis of a new generation of friendship jokes called " Sir.You." in the framework of the principles of conversation "Grice". *Journal of Linguistic and Rhetorical*. Number 15. Pp. 208-191
- Nakhleh, Mahmoud (2002). *New Horizons in Contemporary Linguistic Research*. Alexandria: House of Knowledge University.
- Rajabi, Zahra (2018). Reviewing and Analyzing the Conversations of Yousef (A.S) Surah in Quran on Grice theory. *Journal of Linguistic and Researches*. Number 14. pp. 50-35
- Safavi, Korosh (2012). *Introduction to Linguistics in Persian Literature Studies*. Tehran :Scientific Publication.
- Sharafzadeh, Mohammad and Majid Zamani (2018). Application of Literature Strategies by Iranian Teachers in the Position of Speech Action "Suggestion". *Journal of Pazand*. Number 52-53. pp. 81-75
- Staji, Azam and Fahmieh Afshin (2011). A Cognitive Application of Precautionary Phrases in Persian. *Journal of Linguistic Research* .Number 2. pp. 17-136
- Yule, George (2008). *Pragmatics*، translated by Amoozadeh mahdiraji and Manouchehr Tavangar. Tehran :Samat publications.
- Yule, George (2016) *the study of Language an Introduction*, translated by Nasrin Heidari. Tehran: Samat publications.
- Zand, Farah (1999). deixis in Pragmatics. *Journal of Iranology*. Number 41. pp. 172-166